

کمی هوا به من بدهید

شاعر:

زهرا پور اسماعیل

انتشارات نگارستان غرب

سرشناسه	: پوراسماعيل، زهرا، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پديدآور	: كمى هوا به من بدهيد/شاعر زهرا پوراسماعيل.
مشخصات نشر	: ايلام: نگارستان غرب، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهري	: ۹۶ص.
شابك	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۵۷-۵۰-۶
وضعيت فهرست نويسي	: فيا
موضوع	: شعر فارسي - قرن ۱۴
موضوع	: Persian poetry -- 20th century
رده بندي كنگر	: PIR ۸۳۳۶ ۱۳۹۷ ۸ ك ۴و/
رده بندي ديگري	: ۶۲/۱۶۸
شماره كتابشناسي ملي	: ۵۴۰۴۶۵۰



كمى هوا به من بدهيد

شاعر: زهرا پوراسماعيل
انتشارات: نگارستان غرب
صفحه آرايي: ابراهيم كريميان
طراح جلد: محمدامين احمديگي
نوبت چاپ اول: ۱۳۹۷
شابك: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۵۷-۵۰-۶
شمارگان: ۱۰۰۰
قيمت: ۱۸۰۰۰ تومان

مرکز پخش: ۱- تهران خيابان انقلاب كوچه ۱۲ فروردين پلاك ۴۳ انتشارات آذين

۲- ميدان انقلاب جنب بانک سينما پلاك ۸۲ انتشارات عرفان

کلام آغازین

سلام.

این که می گویند آسمان همه جا یکرنگ است؛ برای شهر من - ایلام - به ملهای غریب است که نمی تواند با آن هم ذات پنداری کند؛ زیرا مردم شهر من همواره از آسمان شان دلهره داشته اند.

وقتی به خاطرات دیروزهای این دیار می نگریم، می بینیم کودکان آن بسیار بیشتر راحته که لذت بارش برف و باران را تجربه کرده باشند، از باریدن بلب و آب و آتش و سرشان دلهره داشته اند. کودکانی که به جای ساختن آدم برقی و بادک، میگ های کاغذی هوا می کردند.

و امروز در شهر مرزی من - ایلام - باز هم کودکان در نقاشی هایشان، آسمان را به جای آبی، خاکی و غبار آلود رنگ می زنند. اینجا آنچه به جای نفس های آرام و راحت آدم ها با گش می رسد، صدای خز، خز، ریه ی کیسول های اکسیژن است و نفس هایی که گاه و بی گاه از دل این شهر گم می شود.

دفتر اول: رباعی

۱۳	زندگی از زندگی سیر است در ایلام
۱۳	صبحانه‌ی من نان و غباری عریست
۱۴	ایلام نه اهو! بنامیدم
۱۵	بر روی دلم گریه سوار نیست
۱۶	با خاک تمام شهر مرا یکسان شد
۱۷	دست از دل و جان پاک شیدی و بی‌ط
۱۸	بر روی دلم نشسته گردی عربی
۱۹	تهران که نباشی از نفس محرومی
۲۰	افسوس خدا، از تو - هوا - بک نگرفت
۲۱	مانند طلبکار، گلاویز شدی
۲۲	ابلاغیه‌ی خاک به ایلام رسید
۲۳	با خاک غریبی شده ام خاک، وطن!
۲۴	گفتند که با خاک تفاهم بکنیم
۲۵	یک عکس، تو با ماسک در این شهر بگیر
۲۶	شاید که کسی با سخنم اخم کند
۲۷	هم دیدن تدفین تو سخت است بلوط!
۲۸	در شهر، تو ماندی که خسارت بزنی
۲۹	احوال خبرهای هوا باز، وخیم

- ۳۰ با این نفس تنگ بگو سر بسته
- ۳۱ ایلام نه، آلام بخوانید مرا
- ۳۲ این خاک که در مرحله‌ی هشدار است
- ۳۳ با چنگ گزفتی تو گریبانِ نفس
- ۳۴ وقتی که شدی بر سر شهرم منصوب
- ۳۵ با عرض سلام این شب پایان، خبریست
- ۳۶ کی نفست این همه دل، خون بکند
- ۳۷ گردی نه دست بر دل پاک بلوط
- ۳۸ سخت است که رن، نصِ قانون بشود
- ۳۹ ای خاک، دلم از ل سنگ خون است
- ۴۰ مهمان شده‌ام به صفتِ خاستی مری
- ۴۱ ای کاش توان داشت که اکس، برو
- ۴۲ افتاده به یک روز سیاهی که گو
- ۴۳ حرفی، سخنی نیست به جز خطبه‌ی خاک
- ۴۴ اصلن نه گلی، شوقِ دلی، رایحه‌ای
- ۴۵ دارم سخنی تلخ... و با لهجه‌ی خاک
- ۴۶ تصویر شما صادره از یک تلِ خاک
- ۴۷ بر طبق سند، خاک! به پیوست برو
- ۴۸ هر روز نفس تنگی و تزریقِ سِرُم
- ۴۹ باید که بمیریم چنین در تبِ سرد
- ۵۰ ای خاک تو یک غول که بی شاخ و دُمی
- ۵۱ در قلب همین گنبد نیلی و کبود
- ۵۲ ای خاک عجب حال و هوایی شده است
- ۵۳ ای خاک تو مانند رُبائی به خدا

- ۵۴ جانبازم و بی جنگ، خدا خاک شدم
- ۵۵ باید که از این شهر، حسایی بروی
- ۵۶ ای باد! تو هم باز شدی پادوی خاک؟!
- ۵۷ این خاک به کل، عصر مرا باز وتو کرد
- ۵۸ دارایی دل، سخت چاول شده است
- ۵۹ این شهر، از رد عبوری که مریض
- ۶۰ بر هم رده ای خاک تو اعصاب هوا
- ۶۱ دیگر شده از پاک، از انگشت نما
- ۶۲ ای خاک! غمت دور دراز است تمام

دفتر دوم: شعر سپید - هادی

- ۶۶ چه عکس کاهی عاشقانه‌ای!
- ۶۷ اما هوایم را سپید می‌خواهم
- ۶۸ شناسنامه‌ام را عوض کنید
- ۶۹ لااقل فرش قرمز برایش پهن نکنید
- ۷۰ سرزمین بال‌های ریخته
- ۷۱ بازار سیاه نفس
- ۷۲ اینجا همه چیز مرتب است
- ۷۳ کمی هوا به من بدهید
- ۷۴ خاک خوردن مجانی است
- ۷۵ هوا هم آسم گرفته است
- ۷۶ دنبال یک جرعه هوا
- ۷۷ سرفه‌های زیر پوستی ایلام
- ۷۸ خوش به حال کپسول اکسیژن

- عزرائیل هم به گردت نمی‌رسد ۷۹
- خوش به حال خاک که جریمه نمی‌شود ۸۰
- مرگ بیخ گوشم خوابیده! ۸۱
- چقدر گردو خاک می‌کند آمدنت ۸۲
- سکوت ما علامت رضا نیست ۸۳
- نهر موم ۸۴
- ختم عزای عمومی ۸۵
- «و! سنا! بحر از آسمان؟» ۸۶
- (السارم هلك الممل القبور!) ۸۷
- به صرف خاک ۸۸
- این کنترل خاک گناه را ریسر بگذار ۸۹
- این خاک اعتماد کردنی نبود ۹۰
- مشتی خاک ۹۱
- دوباره زیر سرش بلند شده است ۹۲
- این خاک، غیرت هیچ کس را نجنباند ۹۳
- میهمان ناخوانده ۹۴
- پایان باز ۹۵